

بررسی تاثیر اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان های هرمزگان و سیستان و بلوچستان

محمد سعید موسایی باغستانی^۱، اسماعیل رأفت^۲

^۱ کارشناس ارشد مدیریت راهبردی و مدیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منطقه آزاد چابهار.

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی و رییس اداره ارزیابی، نظارت و صدور مجوزهای گردشگری.

نام نویسنده مسئول:

محمد سعید موسایی باغستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

چکیده

هدف تحقیق بررسی تاثیر اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان های هرمزگان و سیستان و بلوچستان است. روش تحقیق حاضر توصیفی- پیمایشی است و تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی می باشد. جامعه پژوهش خبرگان صنایع دستی در استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان هستند که تعداد ۷۷ نفر انتخاب شد، روش نمونه گیری با استفاده از روش نمونه گیری دردسترس هدفمند بود که ۱۱ نفر از الگوها و مواد اولیه سایر استان ها استفاده نمی کردند که جامعه نمونه به ۶۶ نفر کاهش پیدا کرد. روش گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جهت سنجش روایی سوالات، ابتدا پرسشنامه بین چند تن از متخصصان توزیع شد و پس از رفع ایرادات بین جامعه نمونه توزیع شد و جهت سنجش پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مقدار پایایی سوالات برابر ۰.۸۱۲ بود که نشان از پایایی سوالات داشت. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد که طبق یافته های حاصل از پژوهش استفاده از اشتراک الگوها و مواد اولیه موجب افزایش خلاقیت و کیفیت و جذابیت هنر صنایع دستی می شود. اشتراک الگوها به معنای انتقال و تبادل الگوها و طرحها است و مواد اولیه استفاده شده نیز نقش حیاتی در خلق آثار دارد که می توان نتیجه گرفت اشتراک الگوها و استفاده از مواد اولیه متنوع در این هنر، نقشی مهم در ایجاد تنوع و بارزی در آثار دارد. هر منطقه و فرهنگ منابع و مواد اولیه خاص خود را داراست و استفاده از مواد اولیه مناسب با شرایط جغرافیایی و فرهنگی منطقه، به تنوع و بارزی در آثار هنری منجر می شود.

واژگان کلیدی: اشتراک، الگو، مواد اولیه، هنر صنایع دستی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان.

مقدمه

هنر صنایع دستی، توانمندی خلاقیت و هنرمندی انسان را در ایجاد اشیاء دست‌ساز و زیبا نشان می‌دهد. در این هنر، اشتراک الگوها و استفاده از مواد اولیه متنوع، نقشی بسیار مهم در ایجاد تنوع و بارزی در آثار دارد (رنو^۱، ۲۰۱۸). اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی، به معنای انتقال و تبادل الگوها و طرح‌ها است. هنرمندان و صنعتگران می‌توانند از طریق تعامل و همکاری با هم، الگوها و طرح‌های جدید را کشف و پیشرفت کنند. این اشتراک می‌تواند منجر به الهام‌بخشی و ایجاد نوآوری در طرح‌ها شود و هنرمندان را قادر به خلق آثاری با ابتکار و خاصیت منحصر به فرد کند (کبد^۲، ۲۰۱۸). همچنین، مواد اولیه استفاده شده در هنر صنایع دستی نقشی حیاتی در خلق آثار دارد. انتخاب مواد اولیه مناسب و خلاقانه، می‌تواند به زیبایی و کیفیت نهایی تولیدات کمک کند (آجوی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

هر منطقه و فرهنگ، منابع و مواد اولیه خاص خود را داراست. استفاده از مواد اولیه متناسب با شرایط جغرافیایی و فرهنگی منطقه، به تنوع و بارزی در آثار هنری منجر می‌شود. به عنوان مثال، مناطق ساحلی می‌توانند از موادی مانند صدف‌ها، صدف‌های دریایی، چوب پرورش داده شده در نزدیکی آب رودخانه و یا مواد طبیعی ساحلی برای خلق آثاری با الهام از دریا و سواحل استفاده کنند. به همین ترتیب، مناطق بیابانی ممکن است از موادی مانند چرم، پارچه‌های گیاهی، رنگ‌های طبیعی و یا چوب صخره‌ای برای خلق آثاری با الهام از صحرا و بیابان استفاده نمایند (یو^۴، ۲۰۱۴).

بنابراین، همکاری و اشتراک الگوها در کنار استفاده از مواد اولیه مناسب، به هنرمندان صنایع دستی امکان می‌دهد تا آثاری منحصر به فرد و با ارزش ایجاد کنند. این تنوع و غنای هنری، به وجود تولیدات متنوع و باارزشمند تر در صنایع دستی منطقه کمک می‌کند و همچنین فرهنگ و هویت منحصر به فرد هر منطقه را شناساند (بهوج^۵، ۲۰۲۲).

به طور کلی، اشتراک الگوها و استفاده از مواد اولیه در هنر صنایع دستی، به تعامل و همکاری بین هنرمندان از مناطق مختلف و ارتباط با محیط زیست و فرهنگ هر منطقه کمک می‌کند. این ترکیب بین الگوها و مواد اولیه، زندگی و رونق هنر صنایع دستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به خلق آثاری با ارزش و زیبا کمک می‌کند که همچنین هویت و غنای فرهنگی هر منطقه را نمایان می‌سازد (پیرنتونی^۶، ۲۰۱۸).

اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان تأثیر قابل توجهی دارد. این دو عامل در تعیین شکل و طرح‌های استفاده شده در هنر صنایع دستی، تنوع رنگ و مواد مورد استفاده، و کیفیت نهایی تولیدات نقش دارند (فت و بکانسینگ^۷، ۲۰۱۶).

اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی می‌تواند منجر به انتقال و تبادل ایده‌ها، الهام‌بخشی و ایجاد نوآوری در طرح‌ها و طرز اجرا شود. این اشتراک می‌تواند از طریق تعامل با هنرمندان و معرفی کارهای صنایع دستی دیگر مناطق یا حتی کشورهای دیگر صورت گیرد. این اشتراک الگوها می‌تواند تأثیر مثبتی بر توسعه و رشد هنرمندان و صنایع دستی در این استان‌ها داشته باشد (هدایت^۸ و همکاران، ۲۰۱۸).

همچنین، مواد اولیه مورد استفاده در هنر صنایع دستی نیز نقش بسیار مهمی در تأثیرات آنها دارند. هرمزگان با داشتن ساحل‌های دریایی و دسترسی به منابع طبیعی مانند صدف، مروارید و عقیق در صنایع دستی هرمزگان، استفاده از این منابع طبیعی باعث ایجاد طرح‌ها و زیورآلات منحصر به فردی شده است که بازاریابی بالایی دارند. از طرفی، در سیستان و بلوچستان نیز با توجه به آب و هوای بیابانی و برخورداری از ریخت‌شناسی خاص منطقه، استفاده از چرم، نخ‌های طبیعی و فیبرهای گیاهی نظیر بوته خرما و بند قرچی به عنوان مواد اولیه برجستگی دارد (میناردی^۹، ۲۰۱۹).

¹ Renu² Kebede³ Ajó⁴ Yu⁵ Bhoj⁶ Pierantoni⁷ Fatt, B., & Bakansing, S⁸ Hidayat⁹ Minardi

بنابراین، اشتراک الگوها و استفاده از مواد اولیه مختلف باعث تنوع و غنای هنر صنایع دستی در استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان می‌شود. هر استان با استفاده از منابع و الگوهای خاص خود، اثرات منحصر به فردی در تولیدات خود ایجاد می‌کند و این تفاوت‌ها به تنوع فرهنگی و هنری این مناطق کمک می‌کند. هنر صنایع دستی در استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان دارای یک ریشه فرهنگی عمیق است و مرتبط با شرایط جغرافیایی و فرهنگی این مناطق می‌باشد. در این مورد، تأثیر اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی این استان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (میناردی، ۲۰۱۹).

اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی به ارتباط و تعامل هنرمندان از استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان اشاره دارد. این تعامل می‌تواند شامل مبادله‌ی ایده‌ها، تکنیک‌ها، طرح‌ها و الگوهای هنری باشد. این اشتراک الگوها می‌تواند باعث تغییر و تحول در طرح‌ها و طرز اجرا در هنر صنایع دستی شود. همچنین، این تبادل الگوها می‌تواند باعث ابتکار و خلاقیت بیشتر در طراحی و ساخت آثار هنری شود و نقشی مهم در ارتقای کیفیت و تنوع هنر صنایع دستی دارد (ازرا و دافی، ۲۰۲۲).

استفاده از مواد اولیه محلی و منحصر به فرد نیز نقش مهمی در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان دارد. این استفاده از مواد اولیه محلی نه تنها به توانمندسازی اقتصاد محلی و ایجاد اشتغال محلی کمک می‌کند، بلکه هویت فرهنگی و جغرافیایی منطقه را در آثار هنری نمایان می‌سازد (بتکوت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳).

مثلاً استفاده از چوب در هرمزگان و استفاده از خشت و نخ در سیستان و بلوچستان به طور ویژه در هنر صنایع دستی این مناطق مشاهده می‌شود و به آثار یک طعم و شخصیت خاص می‌بخشد. لذا این تحقیق به بررسی تأثیر اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان می‌پردازد (بتکوت و همکاران، ۲۰۲۳).

مواد اولیه در هنر صنایع دستی

تعریف

مواد اولیه در هنر صنایع دستی، موادی هستند که به منظور ساخت محصولات صنایع دستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مواد می‌توانند از منابع طبیعی مانند سنگ، چوب، فلز، شیشه، سرامیک، چرم، پارچه، الیاف طبیعی، و غیره، یا از مواد مصنوعی مانند پلاستیک، کاغذ، و غیره تهیه شوند (اجوی و همکاران، ۲۰۱۹).

پیشینه

سابقه استفاده از مواد اولیه در هنر صنایع دستی به دوران پیش از تاریخ باز می‌گردد. در آن دوران، انسان‌ها از مواد اولیه طبیعی مانند سنگ، چوب، و استخوان برای ساخت ابزار و وسایل مورد نیاز خود استفاده می‌کردند. با گذشت زمان و توسعه دانش و فناوری، مواد اولیه مورد استفاده در صنایع دستی نیز گسترش یافتند و انواع جدیدی از مواد مانند فلزات، شیشه، سرامیک، و غیره به این عرصه راه یافتند (کراکگلو^{۱۲}، ۲۰۱۸).

اهمیت مواد اولیه

مواد اولیه نقش مهمی در کیفیت محصولات صنایع دستی دارند. انتخاب مواد اولیه مناسب، تأثیر مستقیمی بر زیبایی، دوام، و عملکرد محصولات صنایع دستی دارد. به همین دلیل، هنرمندان صنایع دستی باید در انتخاب مواد اولیه مورد استفاده خود دقت کافی داشته باشند (گالی و انجانویلو^{۱۳}، ۲۰۲۲).

¹⁰ Ezra, P., & Duffy, L

¹¹ Belkot

¹² Cirakoglu

¹³ Gali, V., & Anjaneyulu, K

انواع مواد اولیه در صنایع دستی

مواد اولیه مورد استفاده در صنایع دستی را می‌توان بر اساس ویژگی‌های مختلف، مانند منبع، نوع، و کاربرد، به دسته‌های مختلفی تقسیم کرد.

مواد اولیه صنایع دستی را می‌توان بر اساس منبع به دو دسته زیر تقسیم کرد:

مواد اولیه طبیعی: این مواد از منابع طبیعی مانند زمین، هوا، آب، و گیاهان و جانوران تهیه می‌شوند.

برخی از نمونه‌های مواد اولیه طبیعی مورد استفاده در صنایع دستی عبارتند از:

○ سنگ‌ها

○ چوب

○ فلزات

○ شیشه

○ سرامیک

○ چرم

○ پارچه

○ الیاف طبیعی (گالی و انجانیولو، ۲۰۲۲).

مواد اولیه مصنوعی: این مواد در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با استفاده از مواد اولیه طبیعی یا شیمیایی تولید می‌شوند. برخی از

نمونه‌های مواد اولیه مصنوعی مورد استفاده در صنایع دستی عبارتند از:

○ پلاستیک

○ کاغذ

○ رزین‌ها

○ رنگ‌ها (نصیرو^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۶).

بر اساس نوع

مواد اولیه صنایع دستی را می‌توان بر اساس نوع به دو دسته زیر تقسیم کرد:

مواد اولیه اولیه: این مواد به صورت مستقیم در ساخت محصولات صنایع دستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از نمونه‌های

مواد اولیه اولیه مورد استفاده در صنایع دستی عبارتند از:

○ سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی

○ فلزات گرانبها

○ چوب‌های نفیس

○ پارچه‌های ابریشمی

○ چرم‌های طبیعی (اجوی و همکاران، ۲۰۱۹).

مواد اولیه ثانویه: این مواد برای تکمیل و تزئین محصولات صنایع دستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از نمونه‌های مواد

اولیه ثانویه مورد استفاده در صنایع دستی عبارتند از:

○ رنگ‌ها

○ لاک‌ها

○ روغن‌ها

○ موم

○ مله‌ها

○ منجوق (کراکگلو، ۲۰۱۸).

نمونه‌هایی از اهمیت مواد اولیه در هنر صنایع دستی

برای درک اهمیت مواد اولیه در هنر صنایع دستی، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- در صنایع دستی چوبی، مانند منبت، خاتم، و معرق، کیفیت چوب مورد استفاده، تأثیر مستقیمی بر زیبایی و دوام محصولات دارد.
- در صنایع دستی فلزی، مانند طلاسازی، نقره‌سازی، و مسگری، کیفیت فلز مورد استفاده، تأثیر مستقیمی بر زیبایی، دوام، و قیمت محصولات دارد.
- در صنایع دستی پارچه‌ای، مانند ترمه، گلیم، و قالی، کیفیت پارچه مورد استفاده، تأثیر مستقیمی بر زیبایی، دوام، و قیمت محصولات دارد.

بنابراین، هنرمندان صنایع دستی باید با توجه به نوع محصولی که قصد تولید آن را دارند، مواد اولیه مناسب را انتخاب کنند تا محصولاتی با کیفیت، بادوام، و زیبا تولید کنند (کبد، ۲۰۱۸).

الگوها

الگوها، عناصری هستند که در هنر صنایع دستی، برای ایجاد زیبایی و تنوع استفاده می‌شوند. این الگوها، می‌توانند از طبیعت، حیوانات، انسان‌ها، یا اشیا و نمادهای مذهبی گرفته شده باشند (تسکیران و بولات^{۱۵}، ۲۰۱۶).

در هنر صنایع دستی ایران، الگوها، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این الگوها، باعث ایجاد تنوع و زیبایی در صنایع دستی ایران شده‌اند. همچنین، الگوها، باعث ارتباط میان مناطق مختلف ایران شده‌اند.

اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی می‌تواند به روش‌های مختلفی انجام شود. یکی از رایج‌ترین روش‌ها، سفر است. هنرمندان و صنعتگران می‌توانند با سفر به مکان‌های دیگر و آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، الگوها و طرح‌های جدیدی را کشف کنند (هاسکینگ و اسکات^{۱۶}، ۲۰۲۲).

به عنوان مثال، یک هنرمند فرش‌باف ایرانی می‌تواند با سفر به ترکیه، الگوهای جدیدی از فرش‌های ترک را ببیند و از آنها الهام بگیرد.

روش دیگر برای اشتراک الگوها، تماس مستقیم بین هنرمندان و صنعتگران است. این تماس می‌تواند از طریق نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، یا کارگاه‌های آموزشی انجام شود. به عنوان مثال، یک هنرمند تذهیب ایرانی می‌تواند در یک کارگاه آموزشی در مصر شرکت کند و از هنرمندان مصری در مورد الگوهای تذهیب مصری بیاموزد (ژو و وو^{۱۷}، ۲۰۲۱).

در نهایت، اشتراک الگوها می‌تواند از طریق رسانه‌های دیجیتال انجام شود. امروزه، هنرمندان و صنعتگران می‌توانند از طریق اینترنت با یکدیگر در ارتباط باشند و الگوها و طرح‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.

به عنوان مثال، یک هنرمند سفالگر ایرانی می‌تواند در یک گروه آنلاین هنرمندان سفالگر عضو شود و از الگوهای سفالگری سایر هنرمندان در سراسر جهان بیاموزد.

اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد. این اشتراک می‌تواند منجر به تنوع و غنای بیشتر هنر صنایع دستی شود. همچنین، می‌تواند به ایجاد نوآوری و پیشرفت در این هنر کمک کند. علاوه بر این، اشتراک الگوها می‌تواند به تقویت ارتباطات بین هنرمندان و صنعتگران از سراسر جهان کمک کند (ژو و وو، ۲۰۲۱).

¹⁵ Taskiran, N., & Bolat, N

¹⁶ Hosking, S., & Scott, M

¹⁷ Zhao, L., & Wu, J

پیشینه

استفاده از الگوها در هنر صنایع دستی ایران، قدمتی طولانی دارد. این الگوها، در طول تاریخ، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند.

در دوران باستان، ایرانیان از الگوهای مختلفی در هنر صنایع دستی خود استفاده می کردند. این الگوها، اغلب از طبیعت، حیوانات، انسان ها، یا اشیا و نمادهای مذهبی گرفته شده بودند.

در دوران اسلامی، استفاده از الگوها در هنر صنایع دستی ایران، گسترش یافت. در این دوران، از الگوهای جدیدی در هنر صنایع دستی ایران استفاده شد. این الگوها، اغلب از هنر اسلامی، مانند مینیاتور و تذهیب، گرفته شده بودند.

در دوران معاصر، استفاده از الگوها در هنر صنایع دستی ایران، همچنان ادامه دارد. در این دوران، از الگوهای جدیدی در هنر صنایع دستی ایران استفاده می شود. این الگوها، اغلب از هنر مدرن و معاصر، مانند هنر انتزاعی، گرفته شده اند.

تأثیر اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران

اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران، تأثیرات مختلفی داشته است. از جمله این تأثیرات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تنوع و غنای هنر صنایع دستی ایران: اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران، باعث تنوع و غنای این هنر شده است. به عنوان مثال، در بسیاری از صنایع دستی ایران، از الگوهای مشترکی استفاده می شود. این الگوها می توانند از طبیعت، حیوانات، انسان ها، یا اشیا و نمادهای مذهبی گرفته شده باشند. استفاده از این الگوهای مشترک، باعث شده است که صنایع دستی ایران، دارای تنوع و زیبایی خاصی باشد.

- تداوم و حفظ هنر صنایع دستی ایران: اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران، باعث تداوم و حفظ این هنر شده است. به عنوان مثال، در بسیاری از صنایع دستی ایران، از الگوها و مواد اولیه مشترکی استفاده می شود. این مواد اولیه می توانند از مواد طبیعی مانند چوب، پارچه، سنگ، یا فلز گرفته شده باشند. استفاده از این مواد اولیه مشترک، باعث شده است که صنایع دستی ایران، در طول زمان، حفظ شود و به نسل های بعدی منتقل شود.

- ارتباط میان مناطق مختلف ایران: اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران، باعث ارتباط میان مناطق مختلف ایران شده است. به عنوان مثال، در بسیاری از صنایع دستی ایران، از الگوها و مواد اولیه مشترکی استفاده می شود. این اشتراک الگوها و مواد اولیه، باعث شده است که صنایع دستی مناطق مختلف ایران، با یکدیگر ارتباط داشته باشند و از یکدیگر تأثیر بپذیرند.

در مجموع، اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران، تأثیرات مثبتی بر این هنر داشته است. این تأثیرات، باعث تنوع و غنای هنر صنایع دستی ایران، تداوم و حفظ این هنر، و ارتباط میان مناطق مختلف ایران شده است.

نمونه هایی از اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران

در هنر صنایع دستی ایران، نمونه های بسیاری از اشتراک الگوها وجود دارد. از جمله این نمونه ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از طرح بته جقه در صنایع دستی مختلف ایران: طرح بته جقه، یکی از طرح های رایج در هنر صنایع دستی ایران است. این طرح، در صنایع دستی مختلفی مانند فرش، قالیچه، گلیم، مینیاتور، تذهیب، و کاشی کاری استفاده می شود.
- استفاده از طرح اسلیمی در صنایع دستی مختلف ایران: طرح اسلیمی، یکی دیگر از طرح های رایج در هنر صنایع دستی ایران است. این طرح، در صنایع دستی مختلفی مانند فرش، قالیچه، گلیم، مینیاتور، تذهیب، و کاشی کاری استفاده می شود.

• استفاده از طرح گل و بوته در صنایع دستی مختلف ایران: طرح گل و بوته، یکی دیگر از طرح های رایج در هنر صنایع دستی ایران است. این طرح، در صنایع دستی مختلفی مانند فرش، قالیچه، گلیم، مینیاتور، تذهیب، و کاشی کاری استفاده می شود.

این نمونه ها، تنها بخش کوچکی از اشتراک الگوها در هنر صنایع دستی ایران هستند. اشتراک الگوها، یکی از ویژگی های مهم هنر صنایع دستی ایران است که باعث تنوع شده اند.

هنر صنایع دستی در استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان

هنرهای صناعی تبلور عینی فرهنگ و مظاهر هنری و از نوع هنرهای کاربردی و مردمی با طرح ها و اصالت های ویژه خود، همیشه چون عاملی مهم و اساسی در پیکره اقتصادی ایران مطرح بوده است. با توجه به جایگاه هنرهای صناعی به عنوان دومین عامل رشد تولید ناخالص ملی، سیاستهای حمایتی و هدایتی گستردهای در زمینه توسعه آن صورت پذیرفته است که طبیعتاً، گسترش آن، اثرات متفاوت و قابل توجهی برجای میگذارد (پبله فروش و کیانی سلمی، ۱۳۹۵: ۵۵)؛ میتوان گفت «ارزشهای هنری و فرهنگی در کنار ارزش افزوده زیاد و ارزآوری بالا، صنایع دستی را به یک کالای ایده آل صادراتی تبدیل میکنند» (دادور، افضل طوسی و پزشکی زاده، ۱۴۰۱: ۷)؛ این در حالی است که کیفیات مرتبط با هنر-صنعت های ایران زمین کاملاً، متأثر از شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی و ویژگیهای مردم شناختی است و این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که اتخاذ رویکردهای اجتماعی- فرهنگی در طراحی و تولید مصنوعات انسانی و بررسی مداخله تولیدات این گروه در بستر زندگی روزمره مردمان هر جغرافیای طبیعی و انسانی، میتواند هموارکننده نگرشهای پایدار به این دسته از مصنوعات باشد؛ به گونه ای که خود آنها می توانند به مثابه یکی از مولفه های بررسی و تفسیر اقلیم و منطقه جغرافیایی، باورها و رسوم بومی، عمل کنند؛ بنابراین، نیاز به حفظ تولیدات بومی، بررسی شیوه های ساخت، تجزیه و تحلیل فرمی و بررسی عملکرد، به منظور افزایش نرخ ماندگاری و امکان سنجی صادرات آنها یکی از نیازهای مهم هنر-صنعت ها در مناطق مختلف است.

هنر صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان بسیار متنوع و پراز تنوع است و شامل تولیداتی از خراطی، قالیبافی، رودوزی، خاتم کاری، سفالگری و نقاشی بر روی پارچه می شود. هنرمندان این استان از مهارت های خلاقانه و بی نظیر برخوردارند که به تولید تمثال ها، قاب های چوبی و سفال هایی با الگوها و طرح های جذاب بیانجامد. صنایع دستی در سیستان و بلوچستان یک نماد جامعه و فرهنگ این استان به شمار می روند (سایت استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۲).

هنر صنایع دستی استان هرمزگان، شامل دستاوردهایی است که به تاریخ و تمدن این منطقه وفادارند. این صنایع دستی شاخص بافت جماعت مردمی استان هرمزگان بوده و در آن نمودها و صورتها شاخص به چشم می خورند. تولیدات هنر صنایع دستی استان هرمزگان شامل گلیم بافی، قالیبافی، میناکاری، سفالگری و حکاکی بر روی چوب است. گلیم بافی به عنوان یکی از قدیمی ترین صنایع دستی در استان هرمزگان شناخته شده است. قالیبافی نیز در این منطقه بازتاب دهنده تاریخ و فرهنگ مردمان استان می باشد. علاوه بر این، میناکاری، سفالگری و حکاکی بر روی چوب نیز جزء تولیدات صنایع دستی برجسته در استان هرمزگان هستند.

جغرافیای بومی و زیست انسانی در هرمزگان

هرمزگان با مختصات ۲۳ ۲۵ تا ۲۸ ۵۷ شمالی و ۴۱ ۵۲ تا ۵۹۱۵ شرقی، مساحتی معادل ۷۱۱۹۴ کیلومتر مربع دارد و از شمال و شمال غرب با کرمان و فارس از شرق با سیستان و بلوچستان و از غرب با بوشهر همسایه به شمار می رود. نوار شرقی تا غربی مرز جنوبی این استان نیز مرزی بالغ بر ۹۰۰ کیلومتر را با خلیج فارس و دریای عمان شامل میشود مدیری و همکاران، ۱۳۹۵ (۳) به دلیل وجود ذخایر غنی نفت و گاز در آبهای خلیج فارس و دریای عمان این منطقه از موقعیت ژئوپولیتیک ویژه ای برخوردار بوده و تنگه هرمز به عنوان گذرگاهی استراتژیک برای عبور و مرور نفت کش های دریایی و کشتی های بازرگانی سایر کشورهای جهان رونق اقتصادی بسیاری دارد. باید به این مهم نیز اشاره نمود که خلیج فارس گذرگاه آبی مرتبط با دریاهای آزاد

را فراهم نموده و از گذشته تا به امروز به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب شناخته می شود. همه این موارد دلایلی بر رونق اقتصادی و اهمیت سیاسی منطقه مذکور هستند که یکی از شاهرگ های ارتباطات بازرگانی را شکل می دهند (جلالی، ۱۳۸۷: ۵۷).

به طور کلی میتوان استان هرمزگان را به دو بخش دشت و کوهستان تقسیم کرد. این دشت که در راستای کرانه های خلیج فارس و دریای عمان واقع شده است وابسته به پیشروی کوه های جنوبی رشته کوه زاگرس نسبت به دریا شکل میگیرد افشار سیستانی ۱۳۸۷ (۷۱) ارتفاعات این منطقه نیز شامل ناهمواریهایی می شوند که در امتداد رشته کوه مذکور و مکران قرار گرفته و اغلب در شمال و شمال غرب استان مشاهده می گردند. علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، باید به دشت های میان کوهی چاله های پست جلگه های حاصلخیز و جزایر نیز اشاره نمود و این نکته را یادآور شد که تراکم مناطق مرتفع و کوهستانی در جنوب و جنوب شرقی به شدت کاهش می یابد (مدیری و دیگران ۱۳۹۵: ۸ از نظر اقلیمی استان هرمزگان را می توان منطقه ای گرم و خشک به شمار آورد. چرایی این امر در مختصات جغرافیایی آن نهفته است که به دلیل نزدیکی با مدار رأس السرطان، میانگین آب و هوایی بالایی را در اغلب ماه های سال به خود اختصاص می دهد زنده دل و دستیاران ۱۳۷۹: ۲۶) از جمله دیگر مواردی که در آب و هوای این منطقه دخیل هستند. میتوان به حاکم بودن سیستم پرفشار جنب حاره تاثیر توده های هوای مختلف، وجود ارتفاعات در بخشهای شمالی استان فاصله از دریا و وزش بادهای محلی اشاره کرد. نقش سیستم پرفشار جنب حاره به دلیل ایجاد شرایط نشست هوا و ایجاد جو پایدار، بیش از سایر موارد بر آب و هوای منطقه تاثیر می گذارد و باعث کاهش بارندگی و ایجاد شرایط بیابانی و خشک در استان می گردد. آب، شامل منابع سطحی و زیرزمینی خاک پوشش گیاهی و جانوری از جمله مهم ترین منابع طبیعی استان به شمار می روند. بخش عمده ای از منابع آب سطحی را رودخانه های فصلی و محدودی تشکیل می دهند که اغلب از ارتفاعات نواحی مجاور سرچشمه گرفته و به سوی سرزمینهای پست جاری می شوند. رود میناب یکی از مهم ترین رودهای این استان است که از حوالی شهر میناب عبور کرده و نخلستانهای سرسبز و پرباری را در اطراف خود شکل میدهد. منابع زیرزمینی نیز شامل چشمه قنات و چاه هایی می گردند که نقش بسزایی در تأمین آب مناطق کوهپایه ای ایفا می کنند. از نظر پوشش گیاهی باید به تفکیک آن در دو بخش جنگل شامل جنگلهای کوهستانی ساحلی و مانگرو و مرتع پرداخت که به علت کاهش میانگین بارش در سال های اخیر و موارد دیگری از قبیل شوری خاک کمبود مواد آلی و بهره برداری بیش از حد رو به کاهش ارزیابی میشوند. در نهایت، پوشش جانوری این منطقه گروهی از موجودات خشکی، پرندهگان و آبزیان را شامل میگردد که از تنوع بالایی برخوردار هستند (افشار سیستانی، ۱۳۷۸: ۸۷-۹۷).

هم چنین بر اساس آخرین تقسیمات کشوری که در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت. استان هرمزگان به ۱۳ شهرستان ۳۸ شهر ۳۸ بخش ۱۲۷۷ روستا و ۱۴ جزیره تقسیم میشود. سه شیوه رایج زندگی در مناطق مختلف ایران یعنی کوچ نشینی، روستانشینی و شهر نشینی در مناطق گوناگون این استان نیز مشاهده می شوند. هر چند لازم به یادآوری است که تعداد اقوام عشایر و کوچنده در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته و در حال حاضر تنها بالغ بر هجده هزار نفر را شامل می گردد. با این حال محدوده کوه شاه احمدی به عنوان بیلاق و قشلاق بزرگ ترین ایل استان ایلام یعنی کوه شاهی معرفی می شود. روستانشینان نیز حدود ۵۱ درصد از جمعیت کل استان را به خود اختصاص می دهند که اغلب در شهرستان های میناب بندر عباس و حاجی آباد سکونت داشته و زندگی خود را از طریق فعالیتهای اصلی زراعت و باغداری و فعالیتهای جانبی پرورش طیور، ماهیگیری و تولید صنایع دستی پیش می برند. باید توجه داشت که به دلیل شرایط اقلیمی خاص این استان تراکم روستاها به صورت متمرکز و طولی مشاهده می شود. در نهایت باید به جمعیت شهرنشین اشاره کرد که به لطف گسترش راه های ارتباطی دریایی

مناطق آزاد تجاری، ایجاد صنایع متعدد در زمینه های پالایشگاه های نفت گاز آلومینیوم و سیمان ایجاد پایگاه های هوایی دریایی و احداث راه آهن توسعه یافته اند. به طور کلی با تراکم ۷۳/۱۹ نفر در هر کیلومتر مربع میتوان استان هرمزگان را به عنوان استانی کم تراکم معرفی کرد. اکثریت این جمعیت در شمال شرقی و بخش مرکزی استقرار یافته اند که به دلیل آب کافی خاک حاصل خیز، آب و هوای مساعد، وجود مراکز اقتصادی تجاری و صنعتی و مرکزیت سیاسی اداری از شرایط زیستی مناسب تری برخوردارند (جلالی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

فرهنگ متفاوت این منطقه در مقایسه با سایر مناطق کشور موید مجاورت آن با دریا و تجارت هایی است که از دیرباز به لطف بنادر و کرانه های آبی صورت گرفته اند. با نگاهی دقیق تر در تاریخ استان هرمزگان می توان دریافت که این منطقه به

عنوان نخستین مفری معرفی میگردد که حکومتی را در سواحل خلیج فارس در خود شکل داده است. همین امر موجب گسترش ارتباط اقوام مختلف با مردمان این منطقه و تعاملات دریایی شد که در نهایت ترکیبی از فرهنگ و سنت جزایر نشینان فارسها، بلوچان و اعراب را به یادگار گذاشته است. لذا، ریشه یابی هر یک از سنتها و آیینهای فرهنگی مستلزم پژوهشی فراگیر در مورد اشتراکات فرهنگی سرزمین هایدور و نزدیکی است که زمانی با مردمان این منطقه دادوستد و رفت و آمد داشتند. فرهنگ عامه نیز از این تاثیر و تاثرات بی بهره نمانده و طی سالیان متمادی از طریق هم نشینی وصلت و معاشرت با اقوام گوناگون دچار تغییر و تحول گشته است.

جغرافیای بومی و زیست انسانی در سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان استانی در جنوب شرقی ایران است که دارای جمعیت ۲'۷۷۵'۰۱۴ نفر می باشد و پس از کرمان، دومین استان پهناور ایران به شمار می رود. این استان بیشتر آب و هوای گرم و خشک دارد اما در عین حال از گوناگونی آب و هوایی و اقلیمی ویژه ای برخوردار است و مناطق کوهستانی، جنگلی و باتلاقی نیز در این استان پهناور به چشم می خورد. زاهدان مرکز این استان از طریق راه آهن با میرجاوه و پاکستان ارتباط دارد و از سوی کرمان هم به راه آهن سراسری ایران متصل است. استان سیستان و بلوچستان با داشتن موقعیت راهبردی بازرگانی و ترانزیتی و دارا بودن کشاورزی و باغبانی (به ویژه میوه های استوایی و گرمسیری) و همچنین جاذبه های فراوان تاریخی و طبیعی و نیز صنعت در حال رشد از توانایی و ظرفیت بالایی برای توسعه و آبادانی برخوردار است.

میری و ترکمانی (۱۳۹۶) اشاره داشت که به رتبه بندی شهرستانهای استان سیستان و بلوچستان از جمله به لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی پرداخته اند بر اساس این پژوهش و بر پایه تمامی معیارهای استفاده شده شهرستان زاهدان با امتیاز $C_i = 728/0$ با اختلاف زیاد نسبت به سایر شهرها توسعه یافته ترین شهرستان استان سیستان و بلوچستان معرفی شده است. نگاه به وضعیت سایر شهرها البته نشان از وضعیت به شدت ناگوار به ویژه از حیث وجود زیر ساختهای فرهنگی دارد. وجود شکافهای متقاطع در پهنه سیستان و بلوچستان نیز از جمله نکات مورد توجه در برخی از تحقیقات قبلی در این حوزه میباشد. به تعبیر ضرغامی و انصاری زاده (۱۳۹۱) (۹۹) این شکافها عبارتند از شکاف، قومی شکاف مذهبی، شکاف مرکز پیرامون و شکاف سنت و مدرنیسم این شکافها در طول زمان به شکلهای مختلفی در سیستان و بلوچستان برآمده است؛ تعصب و قوم گرایی رویارویی بین طوایف محلی مجادله ها و رویارویی های مذهبی بنیادگرایی و افراط گرایی دینی تقابلات بین قومی و... بخشی از نمودهای این امر در جامعه مذکور است گفته میشود این مسائل به نحوی تمامی امور اجتماعی، فرهنگی و حتی هنری این جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده و امکان فعالیت سراسر است و بی حاشیه در این حوزه ها را تحت الشعاع خود قرار داده است. باری جدای از آنچه به لحاظ درونی فرهنگ و هنر سیستان و بلوچستان را متأثر ساخته همچنین یکی دیگر از مسائلی که هم در گفت و گوهای انجام شده طی این پژوهش و هم در برخی تحقیقات قبلی مورد اشاره قرار گرفته است بازنمایی منفی این استان و مردمانش خاصه در رسانه های جمعی است. بر اساس پژوهش سیدامامی (۱۳۸۷) با عنوان ادارک گروه های قومی از تصاویر رسانه ای خود مردم سیستان و بلوچستان خاصه اعضای قوم بلوچ تصاویر پخش شده از خودشان در رسانه ها را چندان مطلوب ارزیابی نمیکنند آنها از بازنمایی هایی که از ایشان ارائه میشود خرسند نیستند آنها از شبکه های سراسری انتقاد دارند و چنین میپندارند که در این شبکه ها به اندازه کافی نقش ندارند و اگر هم نشان داده میشوند، اغلب چهره های تحریف شده ای از آنان به نمایش در می آید چیزی در حدود یک دهه بعد کاروانی و غفاری نسب (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان کاوش کیفی ادارک دانشجویان بلوچ از بازنمایی هویت بلوچها در رسانه های جمعی نشان میدهد که بخشی از اعضای این جامعه همچنان معتقد هستند که نوعی بازنمایی منفی و کلیشه سازی هویتی منفی از بلوچها در صداوسیما و سیمینای ایران صورت گرفته و بسیاری از ابعاد توسعه را با انسداد مواجه ساخته است.

در پایان یکی از مرتبط ترین اسناد با پژوهش حاضر گزارش نشست از مجموعه نشستهای موسوم به «گفت و گوهای فرهنگی است که به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سراسر کشور و از جمله در استان سیستان و بلوچستان با حضور تعدادی از نخبگان و صاحب نظران حوزه های مختلف فرهنگ و هنر در مهر ماه ۱۳۹۸ برگزار گردیده است. در این نشست و در چهارچوب

انجام یک مسئله شناسی دوازده مسئله اصلی و حدود سی مسئله فرعی که در واقع ابعاد همان دوازده مورد کلان هستند شناسایی گردیده و نسبت به آنها چاره جویی شده است؛ این چاره جویی البته از منظری میتواند به مثابه طرح درخواستها و نیازهایی باشد که در این حوزه احساس میگردد چالشهای ارتباطی بین نهادهای دولتی و رسمی فرهنگ با بدنه جامعه؛ عدم اندیشه آگاهی اندک و کم توجهی مدیران اجرایی استان به مقوله توسعه فرهنگی؛ عدم وجود ضمانت اجرایی بسیاری از ایده های پیشنهادی یا وعده های مطروحه در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی؛ تقابل نظم اجتماعی سنتی و جدید و کارگزاران آنها با یکدیگر در بستر تضاد تصنعی فرهنگ ملی و قومی شکافهای قومی و مذهبی؛ نسبت سنجی توسعه فرهنگی استان با شاخص های توسعه عمدتاً وارداتی و غربی ترویج نسخه غلط و نازل توسعه غربی در استان وجود حلقه های مفقوده در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی فراهم نبودن یا کافی نبودن زیرساختهای توسعه فرهنگی؛ تنگناهای اقتصادی و معیشتی عمده مردم استان و بی انگیزه گی یا عدم رغبت آنان نسبت به برنامه های فرهنگی؛ شکاف نسلی و فکری بین گروههای مختلف جامعه و عدم گفت و گو؛ و شکل گیری هویتهای چندپاره سرگشته و نامتعیین مهمترین مواردی هستند که در این نشست مطرح گردیده اند. با نگاهی به مسائل فوق پرواضح است که درخواستها و نیازهای حوزه فرهنگ و هنر استان سیستان و بلوچستان از منظر فعالان این حوزه ها چه بوده است آسیب شناسی روندهای گذشته و جاری حاکم بر وضعیت سیاست گذاری فرهنگی در سطوح ملی و فروملی توسعه گفت و گوهای فرهنگی در تمامی سطوح جامعه و فراهم آوردن فرصت و فضایی جهت شنیده شدن صدای تمامی گروه های ذبنفع و ذی مدخل طراحی استراتژیها و ارائه برنامه های متناسب با موقعیت ویژه استان و اقتضائات خاص آن گزینش و انتخاب مدیران اجرایی آگاه و مسئولیت پذیر نسبت به فرهنگ و توسعه فرهنگی؛ مشخص کردن نسبت برنامه های فرهنگی با هویت ملی و محلی و پرهیز از ارائه برنامه های مغایر با هر یک از این سطوح هویتی لحاظ کردن حساسیت های قومی و مذهبی در برنامه ریزی های فرهنگی درگیر ساختن معتمدین آگاهان و روشنفکران قومی و مذهبی در جریانهای برنامه ریزی و تصمیم گیری سرمایه گذاری حاکمیت در زمینه توسعه زیرساختهای فرهنگی و هنری ترسیم و تصویر ساختن چهره ای واقعی و تحریف نشده از مسائل مردم و ظرفیتهای استان و... بخشی از این موارد است.

بلوچ در اقلیمی خشک خو کرده به آفتاب سوزان کویر و دل داده به بادها و باورهای هزار ساله خود با طبیعت خشک و کویری اش چنان نقشی می آفریند که تجسمی انتزاعی است. طبیعت را چنانکه دوست داشته ترسیم کرده و با اشکال هندسی گلها و بوته های زیادی می آفریند. گلها در سوزن دوزی ابعاد و اشکال گوناگون دارد. با این همه هنرمند بلوچ می کوشد واقعیت زندگی محیط مردم دوروبر خود و باورهایش را در آثار منعکس کند. دامداران بلوچ بیشتر به نگهداری بر پرداخته و وجود بز وسیله ای برای امرار معاش آنهاست. در نقش و نگارهای عامیانه نقش این حیوان به چشم میخورد شتر حیوان مورد توجه بلوچ و بهترین وسیله رفت و آمد در بلوچستان است. همچنین در صحرای بلوچستان مارهای سمی فراوانی وجود دارد که باعث ترس و دلهره مردم این سامانند. به همین جهت است که نقشهای مارپیچک پشته مار و کله سیاه مار دیده می شود.

به طور کلی شکل نقوشی که به کار گرفته میشود عبارتند از:

نقوش حیوانی

حیوانات ممکن است بومی منطقه بوده یا مانند نقش مثل طاووس برگرفته از ذهنیات و تعاملات اجتماعی و اقتصادی فرد باشد. این نقش ها را میتوان به دو دسته انتزاعی و واقع گرایانه تقسیم کرد: الف) نقوش انتزاعی برگرفته از ویژگیهای شاخص حیواناتی است که بیشتر بو می اند مانند «کتار پادک» (Kattar Padak) پای حشره و «مرگ پانچ» (Morg Pane) پنجه مرغ (ب) نقوش واقع گرایانه این سری بیشتر بر دست بافته های عشایری اقوام بلوچ از قبیل نمکدان، سفره، گلیم و فرش کاربرد دارد و بیشتر در سوزن دوزی متداول نبوده است از قبیل مرغ شتر و بز... (نرماشیری، ۱۳۹۴: ۳۶) باید توجه داشت که نقوش حیوانی با توجه به تعصبات مذهبی مردم بلوچ در نقوش کم تر دیده می شود.

نقوش گیاهی

کمبرود یا نبود گل در بلوچستان ذهن خلاق سوزن دوز را بر آن داشته تا با کنار هم قرار دادن چند مربع لوزی، مثلث یا مستطیل انواع گلها را می آفریند. این نقشها گاهی انتزاعی و گاهی در شکلهایی واقع گرایانه ارائه می شود. زنان سوزن دوز با حفظ ویژگی های هندسی نقش ها طرح هایی ساده اما زیبا از گلهای گوناگون را به تصویر می کشند (نرماشیری، ۱۳۹۴: ۳۶). مرچک

گل گلدان گل مورت نام گردنبندی از زیور آلات زنان بلوچ است ولی در اصل مورد درختی است که برگهای آن استفاده دارویی دارد بوژک به معنای شکوفه هایی است که تبدیل به میوه نمی شوند. شیرگو که از شیره ی خرما حاصل شده و چندن هار که چندن درختی در هند است (دکالی، ۱۳۸۵، ۳۶۹).

نقوش هندسی

نقوش هندسی بیشترین کاربرد را در سوزن دوزی زنان بلوچ دارد. عناصر هندسی بنیادین مثلث، مربع و لوزی است. شکل دایره در طراحی نقوش دیده نمیشود به دلیل این که نقوش با شمارش تارو پود بر پارچه دوخته میشود خطوط منحنی و دایره کاربردی ندارد؛ مگر در طراحی های مهتری که اخیرا استفاده میشود. تنوع به کار رفته در این نقوش بسیار زیاد است و به همین دلیل نقوش هندسی به هندسی ساده و ترکیبی خطوط شکسته خطوط راست خطوط منحنی خطوط زیگزاگ و سطح تقسیم شده؛ البته در عین این که هندسی هستند می توانند زیر مجموعه نقوش حیوانی یا گیاهی کیهانی انسانی و حتی طرح های حاشیه و گلها نیز باشند. نقوش هندسی ساده این نقش ها با تکیه بر فرم های هندسی ساده طراحی کرده اند.

ردیف	نام	لاتین	شرح دوخت	تصویر
۱	گورچم	Gor Ćam	شامل دو خط موازی که با فاصله کم طراحی شده و درون آن با خطوط سیاه و سفید پر می شود. این طرح ها به طرح های چشمی نیز شهرت دارند و به معنای چشم سیاه است.	
۲	جوک	Javak	شامل طرحی زیبا و ظریف متشکل از گل های متعدد که به شکل لوزی طراحی می شوند و در زبان بلوچی نام گردنبندی است از زیور آلات زنان بلوچ.	
۳	جلد	Jallad	از دو خط موازی تشکیل شده که فاصله میان آن ها را خطوط موازی عمودی پر کرده اند.	
۴	هشتر دمب	Hošter Domb	هشتر دمب (دم شتر) شامل خطوط شکسته ای است که به طور متناوب در یک ردیف قرار گرفته اند.	
۵	پراییز	Prāyiz	از نقوش ظریف حاشیه، شامل خطوط کوتاه موازی (۳-۵ میلی متر) پشت سر هم و بدون فاصله	
۶	چکن (یک دیمو)	Cakan	نقش چکن یکی از نقوش حاشیه ای است که شامل خطوط عمودی کوتاه تقریباً به اندازه پراییز است.	
۷	چکن (دو دیمو)	Cakan	خطوط در چکن یک دیمو (یک طرفه) و در چکن دو دیمو (دوطرفه) از دو طرف به هم وصل می شوند.	
۸	کلا، لاهاری	Kala-Lahari	شامل بخیه های بلند و اریب است که پس از دوخته شدن یک نوار را تشکیل می دهد.	
۹	شیرازگ	Shirazak	شامل خطوط مستقیمی که به طور مکرر در یک ردیف قرار گرفته اند و در قسمت بالا به شکل گل هایی متناوب به هم متصل می شوند.	
۱۰	کتروک ۱	Katarok	چند خط کوتاه که روی هم قرار گرفته و گل های ریزی به شکل گل قاصدک داده اند.	
۱۱	کتروک ۲	Katarok	از طرح های ظریف گل های وسط بوده و شامل یک لوزی است که با چهار خط به چهار قسمت مساوی تقسیم گردیده. طول آن بین ۳ تا ۴ میلی متر است.	

	چوطل با استفاده از شمارش تارو بود پارچه دوخته می شوند. جزء نقوش مکمل در چوطل دوزی بوده و نام دیگر جوک در گویش سراوانی نیز هست.	Čotal	چوطل	۱۲
	در نقش گل های میانی به کار می رود و دوخت آن مثل علامت + است.	Mohsem	مُجسم ساده	۱۳
	در نقش گل های میانی به کار می رود و دوخت آن با دو رنگ و در سه قسمت انجام و شبیه یک لوزی است که داخل یک چندضلعی محاط شده است.	Mohsem Gerib	مُجسم گریب	۱۴
	بر اساس تعداد تارو بود برای دوخت نام گذاری می شود. دو خط عمودی و افقی که در بخش میانی آن یک مربع تشکیل می شود.	Geraf	پنج تاروی گراف	۱۵
	یکی از سنتی ترین نقوش سوزن دوزی بلوچ است. نقش به صورت یک لوزی محاط شده در مربع است.	Tal Mal	تَل مَل	۱۶
	از نقوش پرکاربرد و سنتی که در طرح های تزیینی و نیز روی لباس دوخته می شود. این طرح از یک دندانسه لوزی مانند شروع و اشکال مختلف تشکیل می شود.	Palivar	پلیوار	۱۷
	این نقش ها جزء نقوش تاروی بوده و معمولاً بر مبنای شمارش تارو بود پارچه دوخته می شوند و شامل شبکه درهم تنیده ای از لوزی های دندانسه دارند.	Dandane dar	لوزی های دندانسه دار	۱۸
	نقشی است متشکل از پنج مربع که یکی در وسط و چهار تای دیگر مماس بر اضلاع آن قرار گرفته اند.	Panč Ādinki	پنج آدینکی	۱۹
	لوزی به این طرح «بِن سَنَدوکی» (Bonanduki) نیز گفته می شود.	Bonok	بُنک	۲۰
	عدد هفت بزرگی که سطح آن با مربع های کوچک پر شده و در قسمت بالای آن نیز دو مربع قرار می گیرند.	Čandan Hâp	چَنَدَن هار	۲۱
	طرح یک گل را تداعی می کند. در برخی از مناطق به این طرح «هِناس» گفته می شود.	Hašas	هشاس	۲۲

تصویر (۱). نقوش گیاهی متدوال در سوزن دوزی بلوچستان

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی- پیمایشی است و تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی می باشد. جامعه پژوهش خبرگان صنایع دستی در استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان هستند که تعداد ۷۷ نفر انتخاب شد، ملاک های ورود داشتن حداقل ۵ سال سابقه کاری در زمینه هنر صنایع دستی، انجام فعالیت های صنایع دستی در زمینه های متنوع و همچنین علاقه به همکاری در این زمینه می باشد و روش نمونه گیری با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس هدفمند بود که ۱۱ نفر از الگوها و مواد اولیه سایر استان ها استفاده نمی کردند که جامعه نمونه به ۶۶ نفر کاهش پیدا کرد. روش گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه ای و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود. جهت سنجش روایی سوالات، ابتدا پرسشنامه بین چند تن از متخصصان توزیع شد و پس از رفع ایرادات بین جامعه نمونه توزیع شد و جهت سنجش پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مقدار پایایی سوالات برابر ۰.۸۱۲ بود که نشان از پایایی سوالات داشت. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته ها

طبق نتایج حاصل از آمار توصیفی از ۷۷ نفر ۳۱ نفر از استان سیستان و بلوچستان و ۴۶ نفر از بندرعباس بودند. در رابطه با جنسیت، ۴۸ نفر زن و ۲۹ نفر مرد بودند. در رابطه با سابقه کار در صنایع دستی ۱۹ نفر دارای سابقه ۵ سال، ۳۵ نفر دارای سابقه ۵ تا ۱۰ سال و ۲۳ نفر دارای سابقه بالای ۱۰ سال بودند. در ادامه آمار توصیفی سوالات پژوهش بیان شده است.

جدول (۱). جنس محصولات هنر صنایع دستی

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
چوب	۱۹	۲۴.۶	۲۴.۶
فلز	۱۸	۲۳.۱	۴۷.۷
پارچه	۳۴	۴۷.۷	۹۵.۴
روی	۶	۴.۶	۱۰۰.۰
جمع	۷۷	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۱، ۱۹ نفر (۲۴.۶) جنس محصولات هنر صنایع دستی به چوب، ۱۸ نفر (۲۳.۱) جنس محصولات هنر صنایع دستی به فلز، ۳۴ نفر (۴۷.۷) جنس محصولات هنر صنایع دستی به پارچه و ۶ نفر (۴.۶) جنس محصولات هنر صنایع دستی به روی مرتبط است.

جدول (۲). کمک گرفتن از الگوها و نمونه های دیگر مناطق استان در تولید محصولات هنر صنایع دستی

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیر	۱۱	۱۴.۲	۱۴.۲
بله	۶۶	۸۵.۸	۱۰۰.۰
جمع	۷۷	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۲، ۱۱ نفر (۱۴.۲) از الگوهای دیگر مناطق استفاده نمی کنند و ۶۶ نفر (۸۵.۸) از الگوهای دیگر مناطق استان در تولید محصولات هنر صنایع دستی خود استفاده می کنند.

جدول (۳). استفاده از الگوهای استان ها

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Valid	هرمزگان	۱۹	۲۷.۸
	سیستان و بلوچستان	۳۴	۵۵.۶
	دیگر مناطق	۱۳	۱۶.۷
	جمع	۶۶	۱۰۰.۰

طبق نتایج حاصل از جدول ۳، ۱۹ نفر (۲۷.۸) از الگوهای استان هرمزگان استفاده می کنند، ۳۴ نفر (۵۵.۶) از الگوهای استان سیستان و بلوچستان استفاده می کنند و ۱۳ نفر (۱۶.۷) دیگر از سایر الگوهای استان استفاده می کنند.

جدول (۴). استفاده از الگوها و نمونه‌های دیگر مناطق استان در میزان خلاقیت

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۵	۷.۷	۷.۷
زیاد	۲۸	۴۱.۵	۴۹.۲
متوسط	۱۸	۲۷.۷	۷۶.۹
کم	۶	۹.۲	۸۶.۱
خیلی کم	۹	۱۳.۸	۱۰۰.۰
جمع	۶۶	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۴، ۵ نفر (۷.۷) بیان داشت استفاده از الگوها تاثیر بسیار زیاد در خلاقیت دارند، ۲۸ نفر (۴۱.۵) بیان داشتند استفاده از الگوها تاثیر زیاد، ۱۸ نفر (۲۷.۷) تاثیر متوسط، ۶ نفر (۹.۲) تاثیر کم و ۹ نفر (۱۳.۸) بیان داشتند استفاده از الگوها و نمونه‌های دیگر مناطق استان تاثیر خیلی کم در خلاقیت داشتند.

جدول (۵). استفاده از مواد اولیه دیگر استان ها

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۵	۶.۲	۶.۲
زیاد	۹	۱۳.۸	۲۰.۰
متوسط	۱۲	۱۸.۵	۳۸.۵
کم	۱۶	۲۴.۶	۶۳.۱
خیلی کم	۲۴	۳۶.۹	۱۰۰.۰
جمع	۶۶	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۵، ۵ نفر (۶.۲) بیان داشتند استفاده از مواد اولیه دیگر استان ها بسیار زیاد است، ۹ نفر (۱۳.۸) زیاد، ۱۲ نفر (۱۸.۵) تاثیر متوسط، ۱۶ نفر (۲۴.۶) تاثیر کم و ۲۴ نفر (۳۶.۹) خیلی کم است.

جدول (۶). استفاده از مواد اولیه دیگر مناطق استان در افزایش کیفیت و جذابیت محصولات

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۶	۹.۲	۹.۲
زیاد	۶	۹.۲	۱۸.۵
متوسط	۹	۱۳.۸	۳۲.۳
کم	۱۵	۲۳.۱	۵۵.۴
خیلی کم	۳۰	۴۴.۶	۱۰۰.۰
جمع	۶۶	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۶، ۶ نفر (۹.۲) بیان داشت استفاده از مواد اولیه دیگر مناطق استان در افزایش کیفیت و جذابیت محصولات تاثیر بسیار زیادی دارند، ۶ نفر (۹.۲) بیان داشتند استفاده از مواد اولیه تاثیر زیاد، ۹ نفر (۱۳.۷۸) تاثیر متوسط، ۱۵ نفر (۲۳.۱) تاثیر کم و ۳۰ نفر (۴۴.۶) بیان داشتند استفاده از مواد اولیه دیگر مناطق استان در افزایش کیفیت و جذابیت محصولات تاثیر بسیار کمی دارند.

جدول (۷). همکاری بیشتری با استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان در اشتراک الگوها و مواد اولیه

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۷	۱۰.۸	۱۰.۸
زیاد	۸	۱۲.۳	۲۳.۱
متوسط	۷	۱۰.۸	۳۳.۸
کم	۲۰	۳۰.۸	۶۴.۶
خیلی کم	۲۴	۳۵.۴	۱۰۰.۰
جمع	۶۶	۱۰۰.۰	

طبق نتایج حاصل از جدول ۷، ۷ نفر (۱۰.۸) بیان داشت استفاده از همکاری بیشتری با استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان در همکاری بیشتری با استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان در اشتراک الگوها و مواد اولیه خیلی زیاد است، ۸ نفر (۱۲.۳) بیان داشتند استفاده همکاری تاثیر زیاد، ۷ نفر (۱۰.۸) تاثیر متوسط، ۲۰ نفر (۳۰.۸) تاثیر کم و ۲۴ نفر (۳۵.۴) بیان داشتند همکاری بیشتری با استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان در اشتراک الگوها و مواد اولیه تاثیر بسیار کمی دارند. فرضیه: استفاده از اشتراک الگوها و مواد اولیه موجب افزایش خلاقیت و کیفیت و جذابیت هنر صنایع دستی می شود.

جدول (۸). آمار توصیفی فرضیه

	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
افزایش خلاقیت	۳.۵۳۸۵	۱.۴۵۸۵۶	۱۸۰۹۱.
کیفیت و جذابیت	۳.۸۴۶۲	۱.۳۳۷۳۳	۱۶۵۸۸.

طبق نتایج حاصل از جدول ۸، میانگین استفاده از اشتراک الگوها و مواد اولیه در خلاقیت و همچنین کیفیت و جذابیت هنر صنایع دستی بالاتر از ۳ است و بالاتر از حد میانگین می باشد.

جدول (۹). آزمون تی

	Test Value = ۳					
	t	درجه آزادی	درجه معناداری	تفاوت میانگین ها	۹۵٪ فاصله اطمینان از تفاوت	
					حد پایین	حد بالا
افزایش خلاقیت	۲.۹۷۶	۶۵	۰.۰۴	۵۳۸۴۶.	۱۷۷۰.	۸۹۹۹.
کیفیت و جذابیت	۵.۱۰۱	۶۵	۰.۰۰۰	۸۴۶۱۵.	۵۱۴۸.	۱.۱۷۷۵

طبق نتایج حاصل از جدول ۹، درجه معناداری دو متغیر افزایش خلاقیت (۰.۰۰۴) و کیفیت و جذابیت (۰.۰۰۰) است و کمتر از ۰.۰۵ است و معنادار می باشد و اماره تی مثبت است و می توان بیان داشت استفاده از اشتراک الگوها و مواد اولیه موجب افزایش خلاقیت و کیفیت و جذابیت هنر صنایع دستی می شود.

نتیجه گیری

بر اساس تحلیل آماری انجام شده، تأثیر مثبت و معناداری از اشتراک الگوها و استفاده از مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان مشاهده شده است. این تأثیر می‌تواند به توسعه و رشد هنرمندان و صنایع دستی در این استان‌ها کمک کند و تولیدات با کیفیت و منحصرنابراین، نتیجه‌گیری از این مطالعه نشان می‌دهد که اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان تأثیر مهمی در تنوع و کیفیت آثار دارند. این همکاری و اشتراک‌گذاری می‌تواند به الهام‌بخشی، نوآوری و خلق آثار منحصر به فرد و با ارزش توسط هنرمندان صنایع دستی این مناطق

منجر شود. استفاده از مواد اولیه مناسب با شرایط جغرافیایی و فرهنگی هر منطقه نیز به زیبایی و کیفیت نهایی تولیدات کمک می‌کند. این تنوع و غنای هنری سبب می‌شود تا تولیدات متنوع و بازارپسندتری در صنایع دستی منطقه به وجود آید و همچنین فرهنگ و هویت منحصر به فرد هر منطقه را نشان دهد. نتایج حاصل از نرم‌افزار آماری نیز تأیید می‌کند که اشتراک الگوها و مواد اولیه در هنر صنایع دستی این استان‌ها تأثیر مثبت و معناداری در افزایش خلاقیت و افزایش کیفیت و جذابیت دارند. استفاده از این نتایج آماری می‌تواند به توسعه و پیشرفت صنایع دستی در این مناطق کمک کند و هنرمندان را برای خلق آثاری با کیفیت و منحصر به فرد تشویق کند. به طور کلی، این مطالعه نشان می‌دهد که همکاری و اشتراک الگوها به همراه استفاده از مواد اولیه مناسب در هنر صنایع دستی استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان اهمیت بالایی دارد و می‌تواند به تولید آثاری با کیفیت، منحصر به فرد و بازارپسند کمک کند، همچنین فرهنگ و هویت منطقه را نشان دهد. الگوها می‌تواند منجر به انتقال و تبادل ایده‌ها، الهام‌بخشی و ایجاد نوآوری در طرح‌ها و طرز اجرا شود. همچنین، استفاده از مواد اولیه مناسب با منطقه و فرهنگ آن، به زیبایی و کیفیت نهایی تولیدات کمک می‌کند.

منابع و مراجع

- [۱] افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۷). شناخت استان هرمزگان، تهران: هیرمند
- [۲] پيله فروش، ربابه خاتون و کیانی سلمی، صدیقه (۱۳۹۵). نقش صنایع دستی در کارآفرینی فارغ التحصیلان رشته صنایع دستی دانشگاه کاشان، جلوه هنر، دوره ۸، شماره ۲، ۵۵-۶۸.
- [۳] جلالی، منصور (۱۳۸۷). بندرعباس در گستره تاریخ و زبان، تهران: دعوت
- [۴] حاجی علی محمد زرگر، آرزو (۱۳۹۶). مطالعه ریخت شناسی سفالینه های بومی هرمزگان و گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، البرز: دانشگاه هنر، پردیس بین المللی فارابی
- [۵] دادور، ابوالقاسم؛ افضلطوسی، عفت السادات و پزشکزاد، منصوره (۱۴۰۱). آسیب شناسی صادرات صنایع دستی ایران در شرایط تحریم، جلوه هنر، دوره ۱۴ شماره ۳، ۲۰-۷.
- [۶] زنده دل، حسن و دستیاران (۱۳۹۷). مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی: استان گیلان (جلد ۲۲)، تهران: ایرانگردان.
- [۷] سایت استانداری سیستان و بلوچستان
- [۸] سایت رسمی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان
- [۹] سایت رسمی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان
- [10] Ajó, D., Elettivo, G., Fenzi, F., Cesaro, S., & Tegani, S. (2019). The Colored Chemistry., 11, 07-13. <https://doi.org/10.23738/CCSJ.110201>.
- [11] Bełkot, M., Silva, A., Lima, R., & Machado, G. (2023). Towards Archaeological Printmaking. *IMPACT Printmaking Journal*. <https://doi.org/10.54632/22.7.impj12>.
- [12] Bhoj, R. (2022). An intensification of sustainable eco-friendly sisal fiber crafts in healthcare industry. *CARDIOMETRY*.
- [13] Cirakoglu, H. (2018). Hand arts and industrial design. *New Trends and Issues Proceedings on Humanities and Social Sciences*.
- [14] Ezra, P., & Duffy, L. (2022). Promoting the Tourist Experience Economy in LEDCs Through Authentic Fair-Trade Handicrafts. *Advances in Hospitality, Tourism, and the Services Industry*. <https://doi.org/10.4018/978-1-7998-8775-1.ch017>.
- [15] Fatt, B., & Bakansing, S. (2016). An Alternative Raw Material in Handicraft-Making by Using The Oil Palm Fronds: A Community Based Tourism Exploratory Study at Kota Belud, Sabah. *Tourism, Leisure and Global Change*, 1, 25-37.
- [16] Gali, V., & Anjaneyulu, K. (2022). Impact of Operational Constraints on Quality and Productivity of Handloom Products. *International Journal of Management and Humanities*. <https://doi.org/10.35940/ijmh.g1453.038722>.
- [17] Hidayat, J., Tjakra, G., Darmawan, R., & Dharmawan, C. (2018). Hybrid Design Model in Cross Cultural Collaboration: Case Study - Contemporary Bamboo-Ceramic-Batik-Silver Crafts Made by Indonesian and Japanese Artists. <https://doi.org/10.5220/0008885703940399>.
- [18] Hosking, S., & Scott, M. (2022). Craft fields and the temporal structures of quilting. *International Journal of Cultural Studies*, 25, 706 - 723. <https://doi.org/10.1177/13678779221094849>.
- [19] Kebede, A. (2018). Opportunities and Challenges to Highland Bamboo-Based Traditional Handicraft Production, Marketing and Utilization in Awi Zone, Northwestern Ethiopia., 4, 57-67. <https://doi.org/10.20431/2454-7654.0404005>.
- [20] Minardi, M. (2019). Giulio Maresca. "Between 'Early' and 'Late' Iron Age in south-eastern Iran: notes on the possibility to evaluate the 'Achaemenid impact' on the area". *Abstracta Iranica*. <https://doi.org/10.4000/abstractairanica.48097>.
- [21] Nasyrov, R., Lopatin, V., & Lunin, B. (2016). Internal Friction in Quartz Glass Made Using Natural and Synthetic Raw Material. *Glass and Ceramics*, 72, 437-440. <https://doi.org/10.1007/s10717-016-9805-z>.
- [22] Pierantoni, L. (2018). The Heritage Value of the Craft Sector in Fast-Growing Cities., 289-297. https://doi.org/10.1007/978-3-319-61988-0_22.
- [23] Renu, A. (2018). Digitalisation: An Aid in Marketing of Handicrafts. *Journal of emerging technologies and innovative research*.

- [24] Taskiran, N., & Bolat, N. (2016). Visual discourse of the clove: An analysis on the Ottoman tile decoration art. *International Journal of Research In Business and Social Science*, 1, 18-28. <https://doi.org/10.20525/IJRBS.V1I1.54>.
- [25] Yu, F. (2014). Enhancing the Inheritance and Utilization of Regional Culture Resources in Art Design Teaching. <https://doi.org/10.2991/icelaic-14.2014.115>.
- [26] Zhao, L., & Wu, J. (2021). Visual Performance Application of Gelled Patterning and Gilding Based on the Dynamic Theory of Visual Perception. 2021 2nd International Conference on Intelligent Design (ICID), 335-338.